



تقاضا برای خدمات ناخن بالاست اما هزینه مواد و ابزار هم بالا رفته

فراز و نشیب بازار کاشت ناخن

هزینه کاشت ناخن از دو میلیون تومان عبور کرده و بسیاری از ناخن کاران حرفه‌ای ایرانی به امارات و ترکیه مهاجرت کرده‌اند

آموزش‌های بین‌المللی هم در حال تغییر استاندارد بازار داخلی هستند

مهدی خاکی فیروز
هفت صبح

کاشت ناخن دیگر نشانه زندگی لوکس یا تجمل نیست. این خدمت زیبایی در سال‌های اخیر آرام و بی‌سروصدا از سالن‌های خاص فاصله گرفته و وارد زندگی روزمره زنان شده است. امروز در بسیاری از محله‌های شهر، مراجمه ماهانه به ناخن کار به اندازه کوتاهی مو یا اصلاح اپرو عادی شده است. بازاری پرشتتری که در ظاهر ساده است اما در پشت صحنه با فشار هزینه، نوسان ارز، مهاجرت نیروی متخصص و رقابت فرساینده حرفه‌ای‌ها و آرایشگاه‌های زیرزمینی دست و پنجه نرم می‌کند.

سالن‌ها کمتر از یک میلیون تومان نیست. برای کاشت‌های حرفه‌ای، طراحی‌های خاص و متزیال با کیفیت، قیمت‌ها به‌راحتی از دو میلیون تومان عبور می‌کنند. ترمیم ناخن معمولاً بین ۸۰۰ تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان محاسبه می‌شود و مانیکور حرفه‌ای و ژل‌ش نیز به محدوده ۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان رسیده است. در سالن‌های لوکس شمال شهر، این اعداد بالاتر هم می‌روند.

بازار زیرزمینی و خانگی
در کنار سالن‌های رسمی، بازار خانگی و زیرزمینی ناخن هم در حال گسترش است.

برخی خانم‌ها با هزینه کم، خدماتی ارائه می‌کنند که کیفیت متفاوتی دارد و اغلب با تبلیغات دهان‌به‌دهان یا شبکه‌های اجتماعی مشتری جذب می‌کنند. این نوع فعالیت‌ها باعث شده سطح قیمت‌ها در بازار رسمی تحت فشار قرار گیرد و رقابت قیمت باعث کاهش حاشیه سود ناخن کاران حرفه‌ای شود و فرسودگی شغلی منجر شده است.

قیمت‌ها از مرز دو میلیون عبور کرده‌اند

بررسی میدانی بازار نشان می‌دهد قیمت خدمات ناخن در ماه‌های اخیر جهش قابل توجهی داشته است. کاشت ناخن ساده با ژل یا پودر که تا یکی دو سال قبل با چندصد هزار تومان انجام می‌شد، حالا در بسیاری از

بازاری شلوغ با حاشیه سود رزان

افزایش تقاضا برای خدمات ناخن در سال‌های اخیر انکارناپذیر است. شبکه‌های اجتماعی، تغییر سبک زندگی شهری و اهمیت بیشتر به ظاهر فردی، باعث شده ناخن به بخشی از روتین مراقبتی زنان تبدیل شود. همین تقاضا، تعداد فعالان این حوزه را هم به شدت بالا برده است. از سال‌های بزرگ و برنددار گرفته تا ناخن کاران خانگی، همه سهمی از این بازار می‌خواهند. نتیجه رقابتی فشرده است که در بسیاری موارد به کاهش حاشیه سود و فرسودگی شغلی منجر شده است.

بازار از مرز دو میلیون عبور کرده‌اند

بررسی میدانی بازار نشان می‌دهد قیمت خدمات ناخن در ماه‌های اخیر جهش قابل توجهی داشته است. کاشت ناخن ساده با ژل یا پودر که تا یکی دو سال قبل با چندصد هزار تومان انجام می‌شد، حالا در بسیاری از

گزارش

با گوشت کیلویی ۱،۵ میلیون تومان، سفره کارگران باز هم کوچک‌تر شد

گوشت کالای لوکس شد

یک کارگر اروپایی با حقوق ماهانه‌اش بیش از ۱۰۰ کیلو گوشت می‌خرد و کارگر

ایرانی کمتر از ۱۰ کیلو

طه حشمتی
هفت صبح

بزرگی از جامعه خارج شده است. تازه‌ترین اظهار نظر دبیر انجمن واردکنندگان فرآورده‌های دامی هم مهر تاییدی بر این واقعیت تلخ است: «حداقل قیمت گوشت برای مردم به ۱،۵ میلیون تومان رسیده و دیگر به قیمت‌های قبل بر نمی‌گردد.» جمله‌ای کوتاه اما با اثرات بلندمدت روی سفره میلیون‌ها خانوار.

حقوق یک ماه، چند کیلو گوشت؟

اگر معیار را حداقل دستمزد کارگری در نظر بگیریم، تصویر روشن‌تری می‌شود. حداقل حقوق یک کارگر در سال جاری حدود ۹ تا ۱۰ میلیون تومان است. حالا اگر حداقل قیمت گوشت قرمز را همان عدد اعلامی یعنی کیلویی ۱،۵ میلیون تومان در نظر بگیریم، نتیجه ساده است. حقوق یک ماه، چند کیلو گوشت؟

کل حقوق یک ماه = حدود ۶ تا ۷ کیلو گوشت
اما واقعیت بازار حتی از این هم سخت‌گیرانه‌تر است.

عرضه کمتر، قیمت بالاتر
از طرف دیگر، وابستگی به نهاده‌های وارداتی مثل ذرت و سویا هم فشار مضاعفی ایجاد کرده است. نهاده‌هایی که با دلار و یورو قیمت‌گذاری می‌شوند و هر نوسان ارزی، مستقیماً روی قیمت گوشت اثر می‌گذارد.

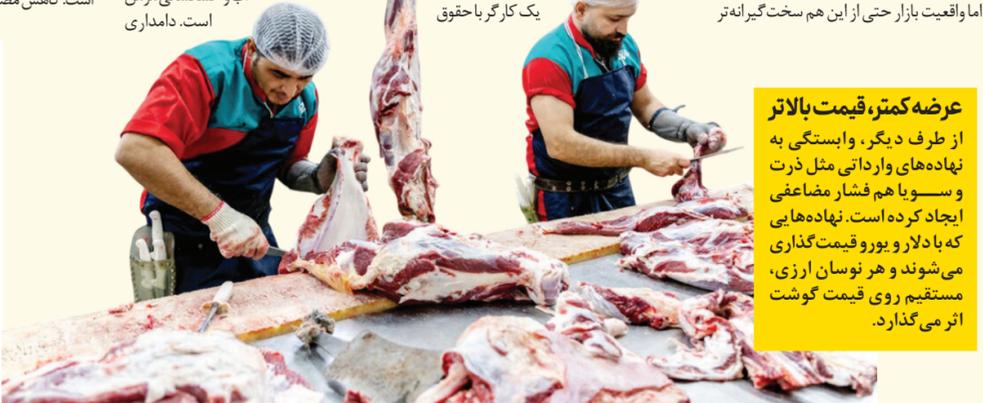
ماهانه‌اش می‌توانست بیش از ۲۰ کیلو گوشت بخرد. حالا همان سبد خرید به کمتر از یک‌سوم رسیده است. گوشت قرمز، آرام و بی‌سروصدا، از «ماده غذایی اصلی» به «کالای مناسبتی» تبدیل شده است.

آن سوی مرزها چه خبر است؟

برای مقایسه، کافی است نگاهی به اروپا بیندازیم. در بسیاری از کشورهای اروپایی، حداقل دستمزد ماهانه بین ۱۲۰۰ تا ۲۰۰۰ یورو است. قیمت هر کیلو گوشت قرمز هم به‌طور متوسط ۸ تا ۱۲ یورو. یعنی یک کارگر اروپایی با حقوق یک ماهه‌اش می‌تواند بیش از ۱۰۰ کیلو گوشت بخرد. رقمی که برای کارگر ایرانی به یک رؤیای دور تبدیل شده است. این تفاوت فقط به نرخ ارز بر نمی‌گردد، بلکه حاصل ترکیبی از ثبات اقتصادی، بهروری بالاتر تولید، مدیریت منابع و سیاست‌های حمایتی هدفمند است. چیزهایی که در بازار گوشت ایران یا وجود ندارند یا نیمه‌کاره اجرا شده‌اند.

خشکسالی مته‌م اصلی یا فرعی؟

یکی از عوامل کلیدی گرانی گوشت، بحران آب و خشکسالی مزمن است. دامداری



دستمزدها متناسب با هزینه‌ها بالا نرفته

گفت‌وگو با سمیرا ونکی مدرس زیبایی و ناخن کار

سمیرا ونکی که سال‌هاست در حوزه آموزش و اجرای خدمات ناخن فعالیت می‌کند، وضعیت فعلی بازار را اینگونه توصیف می‌کند: «بازار کاشت ناخن واقعاً رونق گرفته. هر روز خانم‌های بیشتری به این خدمات علاقه نشان می‌دهند. ناخن دیگر یک کار فانتزی نیست و تبدیل شده به بخشی از مراقبت‌های معمول زندگی. خیلی از مشتری‌ها ناخن را مثل آرایش مو، به‌صورت ماهانه و منظم انجام می‌دهند.» او درباره نوسان قیمت‌ها می‌گوید: «قیمت خدمات خیلی متغیر است. منطقه، سبک کار ناخن کار، لوکس بودن سالن و نوع مشتری تأثیر زیادی دارد اما واقعیت این است که هزینه‌ها بالا رفته. مواد، ابزار، آموزش و حتی اجاره سالن گران‌تر شده و این موضوع مستقیماً روی قیمت خدمات اثر گذاشته.»

مواد خارجی و فشار ارز

به گفته ونکی، بخش زیادی از مواد مصرفی ناخن وارداتی است: «مواد از کشورهای مختلف می‌آید؛ روسیه، هلند، چین و گاهی برندهایی که داخل ایران بسته‌بندی می‌شوند. کیفیت‌ها متفاوت است و ناخن کار حرفه‌ای مجبور است سراغ مواد بهتر برود. نوسان ارز فشار زیادی روی این بازار وارد کرده. قیمت مواد مدام بالا می‌رود اما دستمزد ناخن کار به همان نسبت افزایش پیدا نمی‌کند.»

سلیقه مشتریان تغییر کرده

برخلاف سال‌هایی که طراحی‌های شلوغ و پرجزئیات محبوب بود، سلیقه مشتریان در سال جدید ساده‌تر شده است. سمیرا می‌گوید: «اکثر مشتری‌ها به سمت طرح‌های مینیمال، رنگ‌های طبیعی و فرم‌های ساده رفته‌اند. طراحی‌های خیلی سنگین کمتر درخواست می‌شود. این روند کاملاً با ترندهای جهانی هماهنگ است و نشان می‌دهد مشتری‌ها به ظاهر مرتب و طبیعی‌تر اهمیت می‌دهند.»

چالش اصلی: فاصله هزینه و دستمزد

از نگاه این ناخن کار حرفه‌ای، مهم‌ترین مشکل بازار، شکاف عمیق بین هزینه واقعی کار و قدرت پرداخت مشتری است: «اختلاف دلار و دستمزد واقعا آزاردهنده است. اگر بخواهیم کار حرفه‌ای را با قیمت واقعی انجام بدهیم، بسیاری از مشتری‌ها استقبال نمی‌کنند. ناخن امروز یک خدمت روزمره شده اما اجرای کار استاندارد هنوز هزینه بالایی دارد و این تناقض فشار زیادی به ما وارد می‌کند.»



بدون آب و علفه ارزان، عملاً ممکن نیست. کاهش بارندگی، افت سطح آب‌های زیرزمینی و از بین رفتن مراتع باعث شده هزینه نگهداری دام به‌شدت بالا برود. دامداران باید دام را زودتر روانه کشتار کنند، یا اصلاً از چرخه تولید خارج شود.

شه‌نشینی و تقاضای فشرده

ایران امروز کشوری عمدتاً شهری است. افزایش جمعیت شهرنشین، الگوی مصرف را تغییر داده و تقاضا برای پروتئین حیوانی را بالا برده اما تولید دام متناسب با این رشد جمعیت جلو نرفته است. نه زمین کافی هست، نه آب، نه سرمایه ارزان. این ناترازی میان عرضه محدود و تقاضای فشرده، بازار گوشت را به نقطه‌ای رسانده که حتی واردات هم فقط نقش مُسکن دارد، نه درمان. اظهارات دبیر انجمن واردکنندگان هم دقیقاً از همین جامی‌آید. وقتی قیمت‌ها بر مبنای یورو تعریف می‌شوند، دیگر بازگشتی به نرخ‌های قدیمی وجود ندارد، مگر با یک تغییر جدی در ساختار اقتصاد.

حذف گوشت از سفره: پیامدهای پنهان

حذف یا کاهش شدید مصرف گوشت فقط یک مسئله اقتصادی نیست. مسئله سلامت عمومی است. کاهش مصرف پروتئین حیوانی، به‌ویژه در

وعده روی انتن؛ خطاروی گوتسی

کالاب‌رگ پشت در بسته سامانه‌ها

مستولان از شمول کالاب‌رگ برای آرتانه‌نگیرها می‌گویند اما تجربه کاربران نشان می‌دهد مسیر ثبت درخواست پر از خطا، ارجاع‌های تکراری و انتظارهای بی‌پاسخ است

سیداحمد سیدی حاتری
هفت صبح

صبح یک روز سرد زمستانی، «مهدی» گوتسی به دست، میان خبرها و مصاحبه‌ها دنبال همان جمله آشنا می‌گردد: «کالاب‌رگ شامل افراد فاقد سابقه با یافت یارانه هم می‌شود». مهدی سر پرست خانوار است؛ شغل آزاد دارد و در سال‌های گذشته یارانه نقدی در یافت نگردده. با همین امید وارد سامانه معرفی شده می‌شود؛ شماره موبایل سر پرست را می‌زند، کد پیامکی می‌آید، چند کلیک جلو می‌رود و بعد صفحه‌ای تازه باز می‌شود. ارجاع به سامانه دیگر. این بار «سیمین» است. چند دقیقه بعد، پیام خطا، بازگشت به صفحه اول. دوباره تلاش. نتیجه تفاوتی ندارد. این روایت، داستان شخصی مهدی نیست. در روزهای اخیر، بسیاری از خانوارهایی که سابقه دریافت یارانه نقدی ندارند، تجربه‌ای مشابه را پشت سر گذاشته‌اند. تجربه‌ای که فاصله میان وعده‌های رسمی و واقعیت اجرای سامانه‌ها را برجسته کرده است.

روی کاغذ همه چیز ساده است

مسیر رسمی ثبت درخواست برای افراد فاقد یارانه بارها از سوی مقام‌های دولتی و رسانه‌های رسمی تشریح شده است. روایت واحد می‌گوید متقاضی باید به سامانه «حمایت» مراجعه کند، با شماره موبایل سرپرست وارد شود، وضعیت یارانه را ببیند و درخواست بررسی برای دریافت کالاب‌رگ را ثبت کند. در توضیح‌های رسمی، این فرآیند چند دقیقه‌ای و کاملاً غیرحضور معرفی می‌شود. در همین چارچوب، گفته شده اگر وضعیت خانوار نیاز به اصلاح داشته باشد، سامانه به صورت خودکار کاربر را به مسیر تکمیلی هدایت می‌کند. همین جمله کوتاه، در عمل به گره اصلی ماجرا تبدیل شده است.

ارجاع پشت ارجاع

بعد از ورود به سامانه حمایت، بسیاری از کاربران با پیامی مواجه می‌شوند که آنها را به «سیمین» هدایت می‌کند. سامانه‌ای وابسته به هدفمندی یارانه‌ها. ورود به سیمین هم همیشه پایان مسیر نیست. در موارد متعدد، اصلاً صفحه سیمین باز نمی‌شود. کاربر ممکن است تصور کند با یک اختلال اینترنتی مواجه شده و چند ساعت بعد، مجدد به تلاش خود ادامه دهد. اگر بعد از چند روز سر و کله زدن با سیمین، صفحه آن باز شود، احتمالاً کاربر به اصلاح ساختار خانوار ارجاع داده می‌شود و پای ثبت احوال به میان می‌آید. از نگاه فنی، این تقسیم کار میان سامانه‌ها قابل توضیح است. اطلاعات دهک، هدفمندی، هویت و ساختار خانوار هر کدام متولی خاص خود را دارد. از نگاه شهروندان اما ماجرا شکل دیگری دارد. چند سامانه، چند بار ورود اطلاعات، چند پیام مبهم و یک نتیجه نامعلوم، دستاوردی جز سردرگمی شهروندان ندارد.

مهدی: «سامانه حمایت می‌گوید برای ادامه به سیمین برو. سیمین هم اصلاً باز نمی‌شود. هیچ‌جا دقیق نمی‌گوید این انتظار چقدر طول می‌کشد.»

مصاحبه‌هایی که توقع می‌سازند

در هفته‌های اخیر، مقام‌های مختلف دولت در مصاحبه‌های رسانه‌ای بارها بر پوشش گسترده طرح کالاب‌رگ تأکید کرده‌اند. سخنگوی دولت از تعلق گرفتن اعتبار به همه خانوارها صحبت کرده و گفته حذف‌شدگان یا افراد فاقد یارانه می‌توانند از مسیر سامانه‌های رفاهی درخواست خود را ثبت کنند. معاون رفاه وزارت تعاون هم اعلام کرده افراد یارانه‌نگیر با ثبت درخواست و طی شدن مراحل بررسی، مشمول دریافت اعتبار خواهند شد. این جملات، در فضای تورمی امروز، بار روانی سنگینی دارد. بسیاری از خانوارها برنامه خرید ماهانه خود را براساس همین وعده‌ها تنظیم می‌کنند. وقتی نتیجه مراجعه به سامانه‌ها چیزی جز خطا و توقف نباشد، حس سرخوردگی به سرعت جای امید را می‌گیرد.

تناقض میان حرف و اجرا

نکته آزاردهنده برای کاربران دقیقاً همین جاست. جایی که فاصله میان زبان مصاحبه‌ها و تجربه واقعی، عمیق می‌شود. در گفت‌وگوهای رسمی، طرح کالاب‌رگ با صفت‌هایی مثل «ساده»، «در دسترس» و «فراگیر» توصیف می‌شود. در عمل، کاربر با چرخه‌ای روبه‌روست که خروجی آن روشن نیست. برخی کاربران از پیام «سرپرست خانوار شناخته نشدید» گلایه دارند، برخی دیگر از تأخیر در تبادل اطلاعات میان سامانه‌ها می‌گویند و گروهی هم از قطع و وصل شدن درگاه‌ها در ساعات شلوغ حرف می‌زنند. وجه مشترک همه این روایت‌ها، نبود توضیح شفاف در خود سامانه است.

یک خدمت، چند درگاه

کالاب‌رگ از نگاه مردم یک خدمت واحد است. شهروند انتظار دارد با ورود به یک صفحه، تکلیفش روشن شود. ساختار فعلی اما خدمت را میان چند درگاه پخش کرده است. نتیجه، سردرگمی است. سردرگمی‌ای که هر بار بازگشت به صفحه اول بیشتر می‌شود. در این میان، پاسخ‌های رسمی هم معمولاً کلی است: «به سامانه مراجعه کنید»، «اطلاعات به‌روزرسانی می‌شود»، «منتظر بمانید»، «تقاضای شما با کد رهگیری XXXX ثبت شد و نتیجه به زودی به اطلاع شما خواهد رسید». این پاسخ‌ها شاید از نظر اداری درست باشد، ولی برای کسی که هزینه خوراک ماهانه‌اش دقیقه‌به‌دقیقه بالا می‌رود، قانع‌کننده نیست.

چرا این گروه حساس‌تر است؟

افراد فاقد سابقه دریافت یارانه، در سال‌های گذشته از بسیاری حمایت‌های نقدی کنار گذاشته شده‌اند. وقتی در طرح جدید از پوشش این گروه صحبت می‌شود، انتظار طبیعی شکل می‌گیرد. این انتظار، ریشه در عدد و رقم دارد. عدد قیمت برنج، روغن، لبنیات و گوشت. برای این گروه، کالاب‌رگ فقط یک ابزار رفاهی نیست. نشانه‌ای است از دیده شدن. وقتی مسیر دست‌رنجی به این نشانه‌ها پر از مانع باشد، احساس بی‌توجهی تقویت می‌شود. طرح کالاب‌رگ روی کاغذ بخشی از فشار معیشتی را کم می‌کند. اما مسئله اینجاست که اجرای آن در مورد افراد فاقد سابقه یارانه، هنوز با واقعیت زندگی مردم هم‌قدم نشده است. هر بار که در مصاحبه‌های گفته می‌شود «این گروه هم مشمول هستند»، موج تازه‌ای از مراجعه به سامانه‌ها شکل می‌گیرد. موجی که اغلب به دیوار خطا می‌خورد. مهدی و بسیاری شبیه او، انتظار معجزه ندارند. انتظارشان ساده است. اگر قرار است دری باز شود، قفل نباشد. اگر وعده‌ای داده می‌شود، مسیر رسیدن به آن روشن باشد.

شناسه آگهی: ۲۱۰۰۴۷۳		نوبت دوم	
«خلاصه آگهی عرضه عمومی»			
نام شرکت	روش عرضه	سهم قابل عرضه بلوکی	ارزش پایه کل (ریال)
آلومینای ایران	بورس	تعدادسهم	۳۱۸,۱۲۱,۱۹۰,۴۷۲,۷۲۰
واگذاری سهم فوق العاد الذکر با رعایت «مستورالععمل اجرائی روش انتخاب مشتریان راهبردی (استراتژیک) و اجزای و پایش اهمیت مدیریتی در واگذاری‌ها» صورت خواهد گرفت.	بورس	درصد سهم نقدی	۲۰
نام دارایی	روش عرضه	نشانی	مساحت (مترمربع)
فروشگاه گلپوندک استان تهران (دفتر مرکزی)	مزایده	تهران، خیابان ۱۵ خرداد، نرسیده به چهارراه گلپوندک، کوک پادامچی، پلاک ۴۵	۶۹۱/۸۵
تاریخ برگزاری مزایده	تاریخ عرضه	شرایط تسویه ثمن معامله	ارزش پایه کل (ریال)
۱۴۰۴/۱۱/۱۹	مزایده	تعداد اقساط (ماه)	۶۰۰
		فاصله اقساط (ماه)	۴

سازمان خصوصی‌سازی در نظر دارد در اجرای مصوبه هیئت واگذاری و سایر قوانین و مقررات مربوطه، سهام و دارایی متعلق به دولت به شرح جدول زیر را عرضه و واگذار نماید. ضمناً نسخ تکمیلی این آگهی، در پایگاه اینترنتی سازمان خصوصی‌سازی به نشانی WWW.IPO.IR (بخش آگهی‌های عرضه) در دسترس می‌باشد.

نام شرکت	روش عرضه	سهم قابل عرضه بلوکی	ارزش پایه کل (ریال)
آلومینای ایران	بورس	تعدادسهم	۳۱۸,۱۲۱,۱۹۰,۴۷۲,۷۲۰
واگذاری سهم فوق العاد الذکر با رعایت «مستورالععمل اجرائی روش انتخاب مشتریان راهبردی (استراتژیک) و اجزای و پایش اهمیت مدیریتی در واگذاری‌ها» صورت خواهد گرفت.	بورس	درصد سهم نقدی	۲۰

نام دارایی	روش عرضه	نشانی	مساحت (مترمربع)
فروشگاه گلپوندک استان تهران (دفتر مرکزی)	مزایده	تهران، خیابان ۱۵ خرداد، نرسیده به چهارراه گلپوندک، کوک پادامچی، پلاک ۴۵	۶۹۱/۸۵